

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۱ دی ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۴۳

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط هشتم؛ وسعت وقت برای وضو و نماز

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

روایاتی بر این دلالت داشتند که اگر وضو گرفتن موجب شود که شخص فقط یک رکعت از نماز را در وقت بخواند، کفایت می‌کند. در جلسه گذشته به سه روایت در این رابطه اشاره شد و مستشکل با استناد به این سه روایت گفت که در فرضی که وقت برای وضو گرفتن و نماز خواندن وسعت نداشته باشد و وضو گرفتن موجب شود که مقداری از نماز در خارج از وقت خوانده شود، وظیفه شخص این است که وضو بگیرد و نمازش صحیح است؛ هرچند که مقداری از آن در خارج از وقت خوانده شده است و تیمم [که مرحوم سید (ره) فرموده بود که در این فرض، شخص باید تیمم کند،] کفایت نمی‌کند.

پاسخ از استدلال مستشکل به روایات مذکور

روایات مشتمل بر تعبیر «من أدرك ركعة» دو قسمند؛ در بعضی روایات، تعبیر «من أدرك ركعة من الصلاة فقد أدرك الصلاة» و در بعضی روایات، تعبیر «من أدرك من الغداة ركعة فقد أدرك الغداة تامة» آمده است که این قسم اخیر مربوط به نماز صبح است و سه روایتی که در جلسه گذشته ذکر شدند، در این رابطه بودند. در آن میان، روایاتی که از نظر سند مشکلی ندارند و صحیح‌اند، مربوط به نماز صبحند، ولی روایاتی که تعبیرات دیگر در آنها به کار رفته است، ضعیفند و مرحوم آیت الله خویی (ره) و بعضی از بزرگان دیگر این روایات را ضعیف دانسته‌اند. بنابراین، باید برای اثبات مدعا فقط به روایات مربوط به نماز صبح بسنده شود، هرچند که با توجه به این قاعده که مورد، مخصّص نیست، می‌توان از روایات مربوط به نماز صبح نیز تعمیم را استفاده کرد و آنها را شامل موارد دیگر نیز دانست و این‌گونه نیست که آنها فقط مختص نماز صبح باشند. لکن سؤال این است که آیا این روایات، مطلوب مستشکل را برآورده می‌کند که بگوید که ولو من یک رکعت از نماز صبح را درک کنم، باید وضو بگیرم و نمازم را با وضو بخوانم و حق ندارم تیمم کنم؟ پس آیا این روایات مقصود مستشکل را تأمین می‌کند یا این‌گونه نیست؟

عرض می‌شود که روایات مذکور، به توسعه وقت نظر دارند و به مائیه بودن یا ترابیه بودن طهارت نظر ندارند، بلکه فقط در مقام بیان توسعه وقتند، یعنی این روایات می‌خواهند بگویند که اگر کسی نتواند بیش از یک رکعت نماز را در وقت درک کند، شارع برای او توسعه در وقت ایجاد کرده است؛ به این معنا که گرچه مقداری از نماز در خارج وقت خوانده شود، شارع مقدس آن مقداری را که خارج از وقت خوانده شده است نیز به منزله نماز ادا قرار داده است و کأنما که آن مقدار نیز در وقت خوانده شده است. بنابراین، روایات سه‌گانه مذکور در جلسه در مقام بیان مائیه یا ترابیه بودن طهارت نیستند، بلکه فقط در صدد بیان توسعه وقتند.

به تعبیر روشن‌تر، روایات مذکور، موردی را که شخص در تنگی وقت، تیمّم کرده باشد و با تیمّم نماز خوانده باشد و مقداری از نمازش در خارج از وقت خوانده شود را نیز شامل می‌شود، یعنی نماز این شخص نیز صحیح است و گویا همه آن را در وقت خوانده است.

به عبارت دیگر، روایات مذکور، به این نکته اشاره دارند که شارع مقدس نمازی را که یک رکعت آن در وقت و بقیه در خارج از وقت خوانده شود، به صورت نماز ادا قبول می‌کند و فرقی نمی‌کند که طهارت آن طهارت مائیه باشد یا طهارت تراپیه باشد. پس اگر شخص در تنگی وقت تیمّم کند و نمازش را با تیمّم بخواند، به گونه‌ای که مقداری از آن نماز در خارج از وقت خوانده شود، نمازش صحیح است و شارع آن را مثل نماز ادا قبول می‌کند و فرقی نمی‌کند که تیمّم او به خاطر اهمال در نماز خواندن باشد که آن اهمال باعث تنگی وقت شده باشد یا اهمال نکرده باشد؛ بر خلاف مرحوم صاحب مدارک (ره)^۱ که معتقد بوده است که اگر واجد آب اهمال کند تا وقت تنگ شود، نمی‌تواند تیمّم کند و نمازش را با تیمّم بخواند، بلکه باید وضو بگیرد؛ هرچند که مقداری از نمازش در خارج از وقت خوانده شود.

خلاصه اینکه روایات مذکور، به این نکته نظر ندارند که هر کس تمکّن دارد که نماز را با وضو انجام دهد، هرچند یک مقدار آن در وقت خوانده شود، واجب است که وضو بگیرد و نمازش را با طهارت مائیه بخواند و طهارت تراپیه کفایت نمی‌کند، بلکه این روایات در صدد بیان توسعه وقت نمازند؛ به این نحو که انسان اگر در تنگی وقت یک رکعت از نماز خود را در وقت و بقیه را در خارج از وقت بخواند، شارع مقدس آن نماز را مثل نماز اداء قرار می‌دهد و نمازش صحیح است؛ اعم از اینکه آن نماز را با طهارت مائیه یا با طهارت تراپیه بخواند.

مرحوم سید (ره) در ادامه شرط هشتم از شرائط وضو نوشته است: «و لو تَوْضَأُ فِي الصُّورَةِ الْأُولَى، بَطْلٌ؛ إِنْ كَانَ قَصْدُهُ امْتِثَالُ الْأَمْرِ الْمَتَعَلِّقِ بِهِ؛ مِنْ حَيْثُ هَذِهِ الصَّلَاةُ عَلَى نَحْوِ التَّقْيِيدِ. نَعَمْ، لَوْ تَوْضَأُ لَغَايَةِ أُخْرَى أَوْ بِقَصْدِ الْقَرْبَةِ، صَحٌّ وَ كَذَا لَوْ قَصَدَ ذَلِكَ الْأَمْرَ بِنَحْوِ الدَّاعِي؛ لَا التَّقْيِيدِ»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر در صورت اول [که وضو گرفتن باعث خواندن نماز در خارج از وقت می‌گردد] قصد شخص از وضو گرفتن، امتثال امری باشد که به وضو تعلق گرفته است و آن امر، مقید به آن نمازی که می‌خواهد بخواند، باشد، وضوی او باطل است. بله، اگر شخص به خاطر چیز دیگری [، مثل قرآن خواندن] یا به قصد قربت وضو گرفته باشد، وضویش صحیح است و همچنین، اگر او به داعی نماز وضو بگیرد، نه مقید به آن نماز، وضویش صحیح است.

درباره صورت اول مذکور، مرحوم سید (ره) فرموده است که در فرضی که قصد شخص از وضو، امتثال امری که به وضو تعلق گرفته است، باشد و آن امر، مقید به نمازی باشد که می‌خواهد بخواند، وضویش باطل است، لکن نظر مختار این است که در این فرض نیز وضو صحیح است.

برای اثبات نظر مختار، لازم است مقدمه^۳ به دو مطلب اشاره شود:

۱. محمد بن علی، موسوی عاملی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۳.

مطلب اول، اینکه عبادیت وضو و غسل از امور استحبابی نفسی وضو و غسل نشأت می‌گیرد و از جهتی دیگر، وضو و غسل جنبه مقدمیت برای نماز دارند و امر به وضو و غسل، امر غیری است، یعنی امر نفسی به نماز تعلق گرفته است و تعلق امر به وضو و غسل از باب مقدمیتشان برای نماز است.

به نظر می‌رسد که مقدمیت در طول عبادیت است، یعنی وضو و غسل قبل از اینکه جنبه مقدمیت برای نماز پیدا کنند، فی حد ذاته استحباب نفسی دارند و در نتیجه، عبادیت وضو و غسل از همین استحباب نفسی نشأت می‌گیرد و عبادیت آن دو از مقدمه بودنشان برای نماز ناشی نمی‌شود. پس عبادیت وضو و غسل قبل از تعلق امر مقدمی به آن دو ثابت است. به تعبیر عالمانه، مقدمیت در طول عبادیت است، یعنی نخست عبادیت است و بعد مقدمیت می‌آید، یعنی وضو و غسل فی حد ذاته یک استحباب نفسی دارند و بعد از ثبوت عبادیت آن دو، شارع مقدس امر غیری را بر آن دو بار کرده است و فرموده است که برای نماز وضو بگیرید و غسل کنید.

مطلب دوم، اینکه قوام عبادیت به قصد تقرّب است و قوام عبادیت به اتیان به قصد امر نیست، یعنی عبادیت یک چیز به این نیست که حتماً امری بیاید تا مکلف آن را در مقام امتثال امر انجام بدهد تا جنبه عبادیت پیدا کند، بلکه همین که شخص آن را به قصد قربت انجام بدهد، برای عبادیت کفایت می‌کند و لذا فارق بین امر تعبدی و امر توصیلی نیز قصد قربت است؛ به این نحو که امر تعبدی، امری است که قصد قربت نیاز دارد و امر توصیلی، قصد قربت نیاز ندارد؛ مثل دفن میت که بدون قصد قربت محقق می‌شود. **نتیجه،** اینکه با توجه به دو مقدمه مذکور، نتیجه گرفته می‌شود که وضوی شخص، به قصد امتثال امری که به وضو تعلق گرفته است که آن امر، مقید به نمازی است که می‌خواهد بخواند، صحیح است زیرا وضوی او به قصد تقرب الی الله انجام شده است، هر چند که قصد امتثال امر متعلق به آن وضو را بر وجه تقیید کرده باشد چون در این فرض، آنچه تشکیل‌دهنده عبادیت است که همان قصد تقرب است، حاصل است و آنچه به عنوان اضافات [قصد امتثال امر بر وجه تقیید] بر آن وضو بار شده است، لغو است چون همان‌طور که عرض شد، خود وضو استحباب نفسی دارد و عبادیت آن با قصد تقرّب حاصل می‌شود و این دو برای حکم به صحت وضوی مذکور، کفایت می‌کند. به تعبیر بعضی از بزرگان، اینکه شخص وضو را به قصد امتثال امر بر وجه تقیید انجام بدهد، خطای در تطبیق است لذا چنین قصدی لغو است چون در موضوع مورد بحث، امری به صلاة مقید به طهارت مائیه تعلق نگرفته است تا متوضی آن امر را قصد کند و بنابراین، وضوی او چون به قصد تقرّب انجام شده است، صحیح است و قصد امتثال امر بر وجه تقیید به نمازی که می‌خواهد بخواند، لغو است. پس تفصیل مرحوم سید (ره) بین فرضی که شخص به قصد امتثال امر بر وجه تقیید وضو بگیرد و فرضی که او به قصد دیگری وضو بگیرد، صحیح نیست، بلکه در فرضی که به قصد امتثال امر بر وجه تقیید باشد نیز وضو صحیح است چون چنین قصدی لغو است و خطای در تطبیق است زیرا وضوی مذکور، محبوبیت ذاتی و استحباب نفسی دارد و لذا صحیح است.

نکته: فرق بین تقیید و داعی این است که گاهی مکلف وضو را علی نحو التقیید انجام می‌دهد؛ به این معنا که اگر وضو مقید به نمازی که شخص می‌خواهد بخواند، نبود، او وضو نمی‌گرفت و گاهی مکلف وضو را علی نحو الداعی انجام می‌دهد؛ به این معنا که طبیعت صلاة موجب شده است که شخص وضو بگیرد، ولی وضویش مقید به آن نماز نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که اگر شخص به شرطیت وسعت وقت، برای وضو و نماز عالم باشد و نیز به عدم وجوب وضو در این فرض عالم باشد و بداند که وظیفه اش تیمّم است و در تنگی وقت نباید وضو بگیرد، ولی با این علم، وضو بگیرد، وضویش باطل است زیرا درست است که عنوان اولی این است که وضو استحباب نفسی دارد و تمشّی قصد تقرّب، مشکل را حل می‌کند، ولی عنوان ثانوی این است که چنین وضویی موجب تشریع در دین می‌شود چون شخص می‌داند که در فرض مذکور، وظیفه اش تیمّم است و وظیفه‌ای به عنوان وضو ندارد لذا چون تشریع محرمّ لازم می‌آید، چنین وضویی باطل است^۱.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۱۹.